

بسم الله الرحمن الرحيم

واکاوی ادله لزوم حق آموزش کودک، قلمرو و متولیان آن از نگاه دین مبین اسلام

محمدحسین عباسی^۱

محسن ابوالحسنی^۲

چکیده

از دیدگاه شرع مقدّس و خردمندان هیچ تردیدی در اهمّیت آموزش برای آحاد بشر وجود ندارد. در این میان، نقش آموزش نسبت به کودکان از اهمیت ویژه ای برخوردار است چرا که از مولفه های موثر در تعالی جامعه، وجود اشخاص آموزش دیده و تربیت شده است؛ در حیطه حقّ آموزش کودک گرچه بحث های از سوی فقها و خردمندان انجام گرفته است اما آنچه مهم است و سبب تمایز سایر نگاشته ها می شود پرداختن به مبانی حق انگاری آموزش و تعیین قلمرو آن نسبت به کودکان است چنانکه شناخت متولیان آموزش کودک از اهمیت ویژه ای برخوردار است؛ از این رو نوشتار پیش رو با روش توصیفی - تحلیلی با تکیه بر آموزه های دینی در صدد پاسخ به این سوالات برآمده است؛ آیا اساساً حقی برای کودک از جهت آموزش ثابت است و دیگران در مقابل این حق، تکلیفی بر عهده دارند؟ آیا قلمرو آموزش کودک فقط مربوط به امور عبادی است یا دامنه آموزش وسیع تر ترسیم می شود؟ آیا در کنار وظائف والدین، حاکمیت و در فرض نبودن عدول از مومنین نیز وظیفه ای در این باره دارند؟ گرچه در برخی نوشته ها به طور پراکنده به این مباحث پرداخته شده است اما نوشته حاضر به طور مستقلّ به موضوع مبانی حق انگاری حق آموزش کودک، قلمرو آموزش و متولیان آن پرداخته است.

واژگان کلیدی:

حقّ آموزش، کودک، والدین، قلمرو آموزش، مبانی آموزش.

مقدمه

در آموزه های دینی به حقوق کودک، پرداخته شده است. قرآن مجید در پنج محور فرزند را معرفی می کند و پنج ویژگی را برای آن یاد آور می شود؛ خدای تعالی از فرزند گاه به نعمت تعبیر می کند؛ گاه از آن به عنوان زینت یاد می کند؛ در آیه دیگری، فرزند را فتنه و وسیله آزمایش معرفی می نماید؛ تربیت صحیح فرزند را باقیات الصالحات می داند و از تربیت ناصحیح به نقتم یاد می کند؛ از این رو برای تربیت صحیح فرزند و تبدیل شدن آن به باقیات الصالحات باید به آموزه های تربیتی توجه شایسته را داشت. از آسیب هایی که در حوزه شناخت دین و شریعت مطهر مطرح است نگاه پراکنده و بدون نظام

^۱- طلبه سطح چهار رشته تخصصی فقه و اصول مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام قم mohmad@gmail.com ۰۳۱۰۷۵۸۵۷۲

^۲- طلبه سطح چهار رشته تخصصی فقه و اصول مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام قم maboalhasani@gmail.com 11

^۳- «و یمددکم بأموال و بنین و یجعل لکم جنات و یجعل لکم آنهاراً» سوره نوح/۱۲.

^۴- «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا» سوره كهف/۴۶.

^۵- «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ» سوره انفال/۲۸.

^۶- «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا ... طبق برخی از روایات یکی از مصادیق باقیات الصالحات فرزندان هستند» سوره كهف/۴۶.

^۷- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن مِّنْ أَرْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَّكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِن تَعَفَوْا وَتَصَفَّحُوا وَتَغْفَرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ» سوره تغابن/۱۴.

به معارف دینی است؛ دقت در مجموع آیات و روایات به صورت حلقوی و هرمی این آسیب را بر طرف می‌سازد و جویندگان راه حقیقت را به مطلوب می‌رساند، از اینرو در نوشتار حاضر سعی شده است تا با کنار هم گذاشتن ادله نقلی و بحث از لزوم آموزش کودک، قلمرو مصادیق آموزش و معرفی متولیان آن، گامی موثر در پیشبرد موضوع مورد بحث پدید آید. این مقاله از سه فصل تشکیل یافته است که در فصل اول به تبیین مفهوم واژه‌های حق، آموزش، کودک، و فصل دوم نیز به بررسی ادله نقلی و عقلی لزوم آموزش کودک و بیان قلمرو مصادیق آن پرداخته شده است. همچنین فصل پایانی این نوشتار به بیان وظائف حاکمیت و دولت اسلامی و در نبود آنها وظائف عدول مؤمنین در قبال امر آموزش اختصاص یافته است.

فصل اول) مفاهیم

شایسته است برای فهم دقیق‌تر مطالب، قبل از ورود به بحث، به بررسی برخی از واژگان پر کاربرد تحقیق، در این بخش پردازیم.

الف) حق

خلیل بن احمد فراهیدی در کتاب «العین» و ابن عبّاد در کتاب «المحیط فی اللغة» معتقدند که «حق» نقیض باطل است.^۸ جوهری نیز در کتاب «الصحاح» واژه حق را خلاف باطل معرفی می‌کند و جمع آن را «حقوق» می‌داند.^۹ برخی دیگر از اهل لغت مانند احمد بن فارس می‌گویند حق از ریشه ح-ق-ق بوده و به معنای احکام چیزی و صحت آن دلالت دارد. بنابراین حق بر ثبوت و صحت شیء دلالت دارد.^{۱۰} در مورد معنای اصطلاحی حق نیز می‌توان گفت که حق مرتبه‌ای از سلطنت است.^{۱۱}

ب) آموزش

«آموزش» مشتق از علم و به معنای معرفت و شناختن است و در مقابل آموزش، جهالت و نادانی است.^{۱۲} زبیدی در «تاج العروس» تعلیم و اعلام را به یک معنا دانسته^{۱۳} و نویسنده «المعجم الوسیط» می‌گوید: واژه «أَعْلَمْتُهُ و عَلَّمْتُهُ» در اصل یک چیز است و تنها تفاوتی که دارند این است که مراد از اعلام، خبر دادن با سرعت است و تعلیم در مورد است که شخص مطلب را تکرار کند تا اثری در نفس متعلم پدید آید.^{۱۴} حاصل آنکه مراد از تعلیم و آموزش، آن است که معلم آنچه را که می‌داند به متعلم و دانش آموز اعلام کند تا اثر مطلوبی در جان متعلم پدید آید.

ج) کودک

^۸ - «الْحَقُّ نَقِيضُ الْبَاطِلِ» فراهیدی، خلیل بن أحمد، کتاب العین، ج ۳ ص ۶؛ ابن عبّاد، اسماعیل، المحیط فی اللغة، ج ۲، ص ۲۸۶.

^۹ - «الْحَقُّ، خِلاَفُ الْبَاطِلِ وَ الْحَقُّ، وَاحِدُ الْحَقُّوقِ» جوهری، أبونصر، الصحاح، ج ۴، ص ۱۴۶۰.

^{۱۰} - «حَقٌّ: الْحَاءُ وَ الْقَافُ أَصْلٌ وَاحِدٌ وَ هُوَ يَدُلُّ عَلَى إِحْكَامِ الشَّيْءِ وَ صَحْتِهِ فَالْحَقُّ نَقِيضُ الْبَاطِلِ» ابن فارس، أحمد بن زکریاء القزوینی الرازی، معجم مقانیس اللغة، ج ۲، ص ۱۵.

^{۱۱} - هاشمی شاهرودی، سید محمود، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ج ۳، ص ۳۱۷.

^{۱۲} - فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر ص ۴۲۷؛ طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ج ۲، ص ۱۲۵۹؛ ابن منظور، محمد بن مکرّم، لسان العرب، ج ۴، ص ۴۱۶.

^{۱۳} - زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس، ج ۱۷، ص ۴۹۶.

^{۱۴} - راغب اصفهانی، المفردات، ص ۳۴۲.

از دیدگاه فقه کسی که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد را کودک می‌نامند.^{۱۵} مورد ابتدای زمان کودکی در آیات و روایات، به مدت خاصی تصریح نشده است. از این رو در مورد شروع زمان کودکی بین فقها اختلاف نظر است؛ برخی شروع آن را ده سالگی^{۱۶} و برخی هفت یا هشت سالگی دانسته‌اند.^{۱۷} اما در اصطلاح فقه، به فرزند از زمان تولد تا ابتدای بلوغش، کودک گفته می‌شود.^{۱۸} گفتنی است که در اسناد بین‌المللی، در ماده یکم کنوانسیون حقوق کودک آمده است که مراد از کودک، همان انسان زیر هجده سال است، مگر اینکه طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک، سن بلوغ کمتری تشخیص داده شود، بنابراین از نظر کنوانسیون دوره کودکی در هجده سالگی پایان می‌یابد، مگر اینکه در کشور خاصی، کودک زودتر به سن بلوغ برسد. در حقوق ایران، با توجه به ماهیت اسلامی و تاثیر فقه امامیه در قانونگذاری آن، قانون‌گذار در تبیین مفهوم کودک و سن بلوغ به نظر فقهای امامیه گرایش نشان داده و در تبصره یکم ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی، سن کودک را سن بلوغ دانسته که در پسران پانزده سال کامل قمری و در دختران نه سال کامل قمری می‌باشد. همچنین در بخش چهارم از فصل دوم قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ در باب موانع مسئولیت کیفری در ماده ۱۴۷، حکم تبصره یکم ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی، سن بلوغ را مورد تاکید قرار داده است.^{۲۰}

فصل دوم) ادله لزوم حق آموزش و قلمرو آن

در این بخش آیات و روایاتی که دلالت بر لزوم آموزش دارند مطرح گردیده و قلمرو آموزش از دیدگاه آیات و روایات، بررسی و تبیین خواهد شد.

گفتار اول) ادله قرآنی لزوم حق آموزش کودک

یک) «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ؛ ای مؤمنان! خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن، انسانها و سنگهاست نگه دارید؛ آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شده که خشن و سختگیرند و هرگز فرمان خدا را مخالفت نمی‌کنند و آنچه را فرمان داده شده‌اند (به طور کامل) اجرا می‌نمایند».^{۲۱}

بدون تردید طبق بیان روایات و کلمات مفسران یکی از مصادیق اهل در آیه فوق، فرزندان می‌باشند، از این رو برای حفظ و حراست فرزندان از آتش انحرافات، باید آموزش‌هایی انجام گیرد تا فرزندان از گزند انحرافات در امان بمانند.

دو) «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى؛ و اهل خانه خود را به نماز و طاعت خدا امر کن و خود نیز بر نماز و ذکر حق صبور باش، ما از تو روزی کسی را نمی‌طلبیم بلکه ما به تو و دیگران روزی می‌دهیم، و عاقبت نیکو مخصوص اهل پرهیزکاری و تقواست».^{۲۲}

^{۱۵}- وزیر، مجید، حقوق متقابل کودک و ولی در اسلام و موارد تطبیقی آن، ص ۴۹.

^{۱۶} موسوی بجنوردی، محمد، بررسی مفهوم و معیار کودکی در تفکر اسلامی و قوانین ایران برای بهره‌مندی از حقوق مربوطه، ص ۳۶.

^{۱۷}- محقق حلی، جعفرین حسن، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ج ۴، ص ۳۳۵.

^{۱۸}- بحرانی، یوسف، الحدائق الناظره، ج ۱۳، ص ۴۱۶.

^{۱۹}- ر.ک: جمال زاده، عبدالرضا، اصول مرتبط با حقوق کودک در محیط دیجیتال.

^{۲۰}- جمال زاده، عبدالرضا، اصول مرتبط با حقوق کودک در محیط دیجیتال، صص ۳۶-۵۶.

^{۲۱}- سوره تحریم/۶.

^{۲۲}- سوره طه/۱۳۲.

گرچه آیه ذکر شده و شأن نزول آن خطاب به پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است اما می دانیم که مورد، مخصّص نمی باشد به فرموده برخی از مفسران این آیه عمومیت دارد و تمام امت اسلامی را شامل می شود. از این آیه لزوم آموزش فرزندان برداشت می شود، بنابراین بی شک والدین نسبت به آموزش کودکان تکلیف دارند.

گفتار دوم) ادلّه روایی لزوم حق آموزش کودک

یک) «رَوَى عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ نَظَرَ إِلَى بَعْضِ الْأَطْفَالِ فَقَالَ وَيْلٌ لِّأَوْلَادِ آخِرِ الزَّمَانِ مِنْ آبَائِهِمْ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مِنْ آبَائِهِمْ الْمَشْرُكِينَ فَقَالَ لَا مِنْ آبَائِهِمْ الْمُؤْمِنِينَ لَا يُعَلِّمُونَهُمْ شَيْئًا مِنَ الْفَرَائِضِ وَإِذَا تَعَلَّمُوا أَوْلَادَهُمْ مَنَعُوهُمْ وَرَضُوا عَنْهُمْ بَعْضُ يَسِيرٍ مِنَ الدُّنْيَا فَأَنَا مِنْهُمْ بَرِيءٌ وَهُمْ مِنِّي بَرَاءٌ» روایت شده است که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نظر نمودند به بعضی از طفلان سپس فرمودند: وای بر فرزندان آخر الزمان از پدران ایشان! عرض کردند یا رسول الله از پدران ایشان که مشرکان باشند؟ فرمود نه بلکه از پدران ایشان که مؤمنان باشند که تعلیم نکنند ایشان را چیزی از واجبات و چون فرزندان خواهند که یاد گیرند منع کنند پدران ایشان آن را و راضی باشند از ایشان به اندک چیزی از دنیا، پس من از ایشان بیزارم و ایشان از من بیزارند»^{۲۳}.

مستفاد از روایت ذکر شده، اظهار ناراحتی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نسبت به پدران و مادران با ایمانی است که آموزش فرزندان خویش را ترک نموده اند. از این رو تعلیم و تربیت فرزند امری لازم فرض شده است و ترک این تکلیف مورد ملامت و توبیخ است تا جایی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از چنین پدران و مادرانی اعلام برائت می کند.^{۲۴}

دو) «عَنْ زَيْنِ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ أَمَا حَقٌّ وَلَدِكَ فَأَنْ تَعْلَمَ أَنَّهُ مِنْكَ وَمُضَافٌ إِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا بِخَيْرِهِ وَشَرِّهِ - وَ أَنْكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وَليَّتُهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَالدَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ عَزَّوَجَلَّ؛ إِمَامٌ سَجَادٌ فرمودند: اَمَا حَقٌّ فرزندت این است که بدانی او از توست و با خوب و بدش در دنیا، منتسب به توست و همچنین بدان که خداوند بر عهده تو قرار داده است که فرزندت را به صورت شایسته تربیت کرده و به سوی خدا راهنمایی کنی»^{۲۵}.

این روایت به صراحت به یک اصل عقلایی اشاره دارد و آن اینکه رفتار، کردار و شخصیت فرزند به والدینش انتساب داده می شود. از این رو والدین باید تمام تلاش خود را جهت تربیت فرزندشان بنمایند تا رفتارهای صحیح فرزند سبب حفظ آبرو و شخصیت والدین گردد.

سه) «وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَّانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عِيْسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْعُمَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: طَلَبُ الْعِلْمِ قَرِيضَةٌ فِي كُلِّ حَالٍ؛ إِمَامٌ صَادِقٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند: طلب علم در هر حالتی لازم است»^{۲۶}.

شایان ذکر است که روایات زیادی در این مضامین در مجامع حدیثی شیعه وجود دارد که از ذکر آنها در این بخش خودداری می گردد. آنچه که از این دسته روایات استفاده می شود این است که رفتن به سوی دانش، امری مطلوب و مورد نظر شارع مقدّس است و همانطور که روشن است متولّی اصلی تعلیم و تربیت کودک، والدین او می باشند. از این رو امر تربیت و آموزش کودکان بر عهده پدران و مادران آنهاست و می دانیم که خود کودک به جهت فقدان «بلوغ» که یکی از شرائط عامه تکلیف

^{۲۳} - شعیری، محمد بن محمد، جامع الأخبار، ص ۱۰۶.

^{۲۴} - گرچه در این روایت لفظ آباء ذکر شده است و طبق تصریح اهل لغت معنای این واژه، پدران است اما ما می دانیم که در اینجا پدر موضوعیت ندارد بلکه به عنوان فرد اکمل در لزوم آموزش کودک مطرح شده است از این رو این تکلیف متوجه مادر نیز می باشد.

^{۲۵} - حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۷۵.

^{۲۶} - حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۲۷.

است، مورد خطاب قرار نگرفته است. البته باید دانست هنگامی که سخن از حق به میان می‌آید، در مقابل آن حق، حتماً تکلیفی وجود دارد؛ از اینرو وقتی حقی را داراست، در مقابل آن حق، والدین او تکلیفی را بر عهده دارند.^{۲۷} حقی که کودک بر گردن والدین خود دارد همان استحقاق تربیت و آموزش است و والدین نیز مکلف هستند تا به خوبی از عهده این حق بر آیند. حاصل آنکه بنابر آیات و روایات ذکر شده حق آموزش، از حقوق مسلم و ضروری برای کودک در محیط شرع تلقی شده است و والدین کودک مکلف اند که به این امر مهم بپردازند و در صورتی که کوتاهی از ناحیه آنها در میان باشد، عتاب و عقاب شرعی دامن گیر آنها خواهد شد.

گفتار سوم) قلمرو و مصادیق آموزش

در دین مبین اسلام دستورات خاصی در ارتباط با آموزش کودکان وجود دارد که وظایف والدین را در قبال کودکان مشخص می‌نماید؛ در این بخش به بررسی وظائف والدین در امر آموزش کودکان می‌پردازیم.

یک) تعلیم نویسنده‌گی

«عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ: مِنْ حَقِّ الْوَالِدِ عَلَى وَالِدِهِ ثَلَاثَةٌ: يُحَسِّنُ اسْمَهُ وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَةَ وَيُزَوِّجُهُ إِذَا بَلَغَ؛ پیامبر مهربانی صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: از جمله حقوق فرزند بر پدرش سه چیز است: اینکه پدر برایش نام خوب انتخاب کند، سواد به او بیاموزد و هر گاه به سن بلوغ رسید، او را همسر دهد».^{۲۸}

دو) آموزش اعتقادات، دانش‌های سودمند و اشعار حکمت آمیز

«عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عُمَرَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ رَجُلٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ وَغَيْرِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ بَادِرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالْحَدِيثِ قَبْلَ أَنْ تَسْبِقَكُمْ إِلَيْهِمُ الْمَرْجِئَةُ؛ امام صادق علیه السلام فرمودند: فرزندان را در آغاز نوجوانی با حدیث (و کلمات اهل بیت علیهم السلام) تربیت کنید؛ پیش از آن که گروه «مرجئه» در افکار فرزندان از شما پیشی گیرند».^{۲۹}

«مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ فِي الْخِصَالِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي حَدِيثِ الْأَرْبَعِمِائَةِ قَالَ: عَلِّمُوا صِبْيَانَكُمْ مِنْ عِلْمِنَا مَا يَنْفَعُهُمُ اللَّهُ بِهِ لَا تَغْلِبْ عَلَيْهِمُ الْمَرْجِئَةُ بِرَأْيِهَا؛ امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمودند: از دانش ما اهل بیت علیهم السلام به کودکان خود چیزی بیاموزید که خداوند به واسطه آن سودشان بخشد؛ تا گروه مرجئه با آراء خود بر آنان چیره نشوند».^{۳۰}

بنابر دو روایت ذکر شده، یکی از وظائف اصلی پدر و مادر نسبت به فرزندان، یاد دادن اعتقادات و تعلیم هر آن چیزی است که برای فرزندان سودمند است مانند مسائل اخلاقی و احکام شرعی. اگر والدین نقش خود را در تربیت و آموزش به درستی انجام ندهند، ممکن است فرزندان شان جذب گروه‌های انحرافی و خطرناک شوند. گروه «مرجئه» یکی از گروه‌های انحرافی و ضالّه در زمان امام صادق علیه السلام بود که ایشان همواره با روشنگری و توصیه‌هایشان، شیعیان را از شبهه شدن به «مرجئه» در عقیده و عمل باز می‌داشتند.^{۳۱}

^{۲۷} - بهشتی، احمد، اسلام و حقوق کودک دکتر احمد بهشتی، ص ۱۴۹.

^{۲۸} - مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۹۲.

^{۲۹} - طباطبائی بروجردی، حسین، جامع احادیث الشیعه، ج ۲۲، ص ۵۱۰.

^{۳۰} - حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۴۷۸.

^{۳۱} - فضل بن شاذان از اصحاب گرانقدر امام رضا علیه السلام در معرفی عقاید مرجئه نوشته است: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: دو صنف از امت من از اسلام بهره ندارند که قدریه و مرجئه. سپس به ایشان گفته شد مرجئه کیستند؟ فرمودند: کسانی که می‌گویند ایمان، گفتار و قول بدون عمل است. اصلی که مرجئه بدان عقیده دارند این است که اگر یکی از آنان پدر، مادر، پسر، دختر، خواهر و برادرش را ذبح کند، ایشان را در آتش بسوزاند یا آن که مرتکب زنا و سرقت و قتل نفسی شود که خداوند حرام کرده یا آن که قبر آنها را بسوزاند یا کعبه را خراب کند یا نبش قبر

بنابر برخی از روایات، امام مجتبی علیه السلام فرزندان خویش و فرزندان برادر خود را خوانده و به آنها فرمودند: «إِنَّكُمْ صِغَارٌ قَوْمٍ، وَ يَوْشِكُ أَنْ تَكُونُوا كِبَارَ قَوْمٍ آخِرِينَ فَتَعَلَّمُوا الْعِلْمَ، فَمَنْ يَسْتَطِيعُ مِنْكُمْ أَنْ يَحْفَظَهُ فَلْيَكْتُبْهُ وَ لِيَضَعْهُ فِي بَيْتِهِ؛ لَهْمَانَا شَمَا كُودَكَانَ امْرُوزٌ بُوْدَةٌ وَ اَمِيْدُ اسْتِ كَهْ اَزْ بَزْرْگَسَالَانِ فَرْدَا بَاشِيْد؛ بِنَابِرَايْنِ دَانَشْ بِيَاْمُوزِيْدِ وَ هَرْ كَدَامْ اَزْ شَمَا كَهْ اسْتِعْدَادْ اَنِّ رَا دَارْدْ كَهْ دَرَسْ اسْتَادْ رَا بَهْ خَاَطِرْ بَسْپَارْدِ، اَنِّ رَا بِنُويَسْدِ وَ دَرْ جَايْ مَنَاسِبِيْ دَرْ خَاَنَهَاشْ نَگَهْ دَارِيْ كَنْد.»

گفتنی است که آموزش اشعار آموزنده و حماسی نیز از جمله وظایف والدین شمرده شده است؛ به عنوان نمونه بنابر روایتی، امیرالمؤمنین علی علیه السلام به پدران توصیه می‌کند که اشعار آموزنده ابوطالب علیه السلام را به فرزندان خود آموزش داده تا صحنه‌های پر شکوه تاریخ اسلام در دل‌ها و ذهن‌ها باقی بماند. در روایت نقل شده است: «كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُعْجِبُهُ أَنْ يَرُورَى شِعْرَ أَبِي طَالِبٍ وَ أَنْ يَدُونَ وَ قَالَ تَعَلَّمُوهُ وَ عَلِّمُوهُ أَوْلَادَكُمْ- فَإِنَّهُ كَانَ عَلَى دِينِ اللَّهِ وَ فِيهِ عِلْمٌ كَثِيرٌ؛ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ اَزْ اِيْنَكِهْ اَشْعَارْ اِبُوْتَالِبْ نَقْلْ يَا نَگَاشْتَهْ شُودْ بَسِيَاْرْ خُوشْحَالْ مِيْ شُدَنْدْ وَ تَوْصِيَهْ مِيْ فَرْمُودَنْدْ كَهْ اِيْنِ اَشْعَارْ رَا بِيَاْمُوزِيْدِ وَ بَهْ فَرَزَنْدَانَتَانِ نِيْزْ تَعْلِيْمْ كَنْيِدِ، زِيْرَا اِبُوْتَالِبْ عَلَيْهِ السَّلَامُ دَرْ مَسِيْرْ دِيْنِ خُدا گام بر می‌داشت و سروده‌هایش در بردارنده مطالب سودمندی است.»

سه) آموزش قرآن

«قال الامام الصادق عليه السلام قال رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى وَالِدِهِ ... انْ يَعْلَمَهُ كِتَابَ اللَّهِ وَ يَطَهِّرَهُ؛ امام صادق عليه السلام از پیامبر اکرم نقل کرده است که ایشان فرمودند از جمله حقوقی که فرزند بر گردن پدر دارد، این است که پدرش به او کتاب خداوند (قرآن) را به او بیاموزد و او را پاکیزه سازد»^{۳۴}

چهار) آموزش فرائض دینی

«عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا نَأْمُرُ صَبِيَانَنَا بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا بَنِي خَمْسِ سِنِينَ فَمَرُّوا صَبِيَانَكُمْ بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا بَنِي سَبْعِ سِنِينَ وَ نَحْنُ نَأْمُرُ صَبِيَانَنَا بِالصَّوْمِ إِذَا كَانُوا بَنِي سَبْعِ سِنِينَ بِمَا أَطَاقُوا مِنْ صِيَامِ الْيَوْمِ إِنْ كَانَ إِلَى نِصْفِ النَّهَارِ أَوْ أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ أَوْ أَقَلَّ فَإِذَا غَلَبَهُمُ الْعَطَشُ وَ الْعَرَثُ أَفْطَرُوا حَتَّى يَتَعَوَّدُوا الصَّوْمَ وَ يُطَبِّقُوهُ فَمَرُّوا صَبِيَانَكُمْ إِذَا كَانُوا بَنِي تِسْعِ سِنِينَ بِالصَّوْمِ مَا اسْتَطَاعُوا مِنْ صِيَامِ الْيَوْمِ فَإِذَا غَلَبَهُمُ الْعَطَشُ أَفْطَرُوا؛ از امام باقر علیه السلام نقل شده است: ما کودکان خود را وقتی پنج ساله شدند به خواندن نماز امر می‌کنیم و شما کودکانتان را وقتی هفت ساله شدند، به خواندن نماز وادارید. ما کودکانمان را وقتی به سن هفت سالگی رسیدند امر می‌کنیم تا هر مقدار از روز را که می‌توانند روزه بگیرند نصف روز یا کمتر و یا بیشتر، و هر گاه تشنگی و گرسنگی بر آنان غالب شد افطار کنند، تا بدین ترتیب به روزه گرفتن عادت کنند و توان آن را بیابند و شما نیز وقتی کودکانتان نه ساله شدند به آنان دستور دهید تا هر مقدار از روز را که می‌توانند روزه بگیرند و هر گاه تشنگی بر آنان غلبه کرد روزه‌شان را باز کنند.»^{۳۵}

کند و یا مرتکب کبیره‌ای شود که خداوند از آن نهی کرده است، این اعمال، ایمان او را فاسد نمی‌کند و او را از ایمان خارج نمی‌کند. چنین فردی که مادام به زبان اقرار بر شهادتین دارد، ایمانش مانند جبرئیل و میکائیل کامل است، حتی اگر آنچه می‌خواهد انجام دهد و مرتکب کارهایی که خدا از آن نهی کرده گردد. فضل بن شاذان، الايضاح، تحقیق و کتاب الحدیث القدم له، جلال الدین حسینی الموری الحدیث، صص ۴۵-۴۶. برای اطلاعات بیشتر درباره گروه انحرافی مرجئه رک: گودرزی، پروین، مقاله «مرجئه» مجله تاریخ اسلام، شماره ۳۱، سال ۱۳۸۶.

^{۳۲} - مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۵۲.

^{۳۳} - مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۱۱۵.

^{۳۴} - کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۶، ص ۴۹.

^{۳۵} - کلینی، محمد بن یعقوب، ج ۳، ص ۴۰۹.

از این روایت به خوبی بر می آید که والدین نسبت به امور دینی و تربیت مذهبی فرزند خود باید نهایت اهتمام را داشته باشند و کودک را از همان ابتدای کودکی با مسائل و احکام شرعی آشنا سازند.

پنج) ایجاد محبت به اهل بیت علیهم السلام و بغض و عداوت نسبت به دشمنان ایشان در کودک

یکی دیگر از عوامل رشد و حفظ کودک از انحرافات، آشنایی کودک با سبک زندگی حکیمانه و فضائل اخلاقی امامان معصوم علیهم السلام است. عترت پاک پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که عدل قرآن هستند، الگوی کامل و تمام عیاری برای مردم جهان هستند. بنابر فرموده امام رضا علیه السلام هر کس زیبایی های کلام اهل بیت علیهم السلام را فراگیرد، دوستدار ایشان گردیده و از آن ها اطاعت می کنند. در نصوص شرعی موارد فراوانی وجود دارد که به پدر و مادر دستور می دهد تا از همان کودکی، کودک را با اهل بیت علیهم السلام آشنا سازند. روایت ذیل شاهد بر این ادعا می باشد.

«وَرَوَى فِيهِ عَنْ مَالِكِ بْنِ خَالِدِ الْأَسَدِيِّ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: كَانَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ يَقُولُ: مَعْشَرَ الشَّيْعَةِ! عَلِّمُوا أَوْلَادَكُمْ بُغْضَ عَثْمَانَ، فَإِنَّهُ مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ حُبٌّ لِعَثْمَانَ فَأَدْرَكَ الدَّجَالَ آمَنَ بِهِ، فَإِنْ لَمْ يَدْرِكْهُ آمَنَ بِهِ فِي قَبْرِهِ؛ از امام حسن علیه السلام نقل شده که فرمودند: ای جماعت شیعه! به فرزندانان بغض دشمنان ما اهل بیت علیهم السلام (عثمان بن عفان) را یاد دهید، چرا که هر کسی در قلبش، محبت دشمنان ما وجود داشته باشد، اگر دجال را درک کند به او ایمان می آورد، و اگر هم دجال را درک نکند در قیورش به او ایمان می آورد.»^{۳۶}

شش) تهیه شغل مناسب

بنابر برخی از روایات پیش‌بینی شغل مناسب و جایگاه اجتماعی از دیگر حقوق فرزندان شمرده شده است که به یک نمونه اشاره می‌شود.

«عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ دُرُسْتِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا حَقُّ ابْنِي هَذَا قَالَ تَحْسِينُ اسْمِهِ وَادْبَهُ وَضَعُهُ مَوْضِعًا حَسَنًا.»^{۳۷}

درباره تعبیر «ضَعُهُ مَوْضِعًا حَسَنًا»، سه احتمال وجود دارد: اول آنکه امام دستور به تهیه شغل مناسب برای فرزند داده اند، دوم آنکه مراد از این تعبیر، تهیه جایگاه مناسب اقتصادی و اجتماعی مناسب با شأن فرزند باشد و سوم اینکه مراد، انتخاب یک همسر شایسته برای فرزند باشد. البته اگر بگوییم کلام امام صادق علیه السلام اطلاق و عمومیت دارد شامل هر سه احتمال خواهد بود. بنابر روایت ذکر شده، وظیفه آموزشی والدین در قبال فرزند خویش تنها منحصر در امور عبادی نمی‌شود بلکه پیش‌بینی شغل مناسب یا جایگاه اجتماعی مناسب نیز از وظایف آنان به شمار می‌آید.

هفت) آموزش مهارت و فنون

در روایتی که ابن ابی الحدید معتزلی آن را به امیرالمومنین علی علیه السلام نسبت داده اینگونه آمده است: «أَوْلَى الْأَشْيَاءِ أَنْ يَتَعَلَّمَهَا الْأَحْدَاثُ الْأَشْيَاءِ الَّتِي إِذَا صَارُوا رِجَالًا أَحْتَاجُوا إِلَيْهَا؛ بهترین چیزی که شایسته است نوجوانان فرا گیرند چیزهایی است که آن‌ها در بزرگسالی بدان نیازمند خواهند بود.»^{۳۸}

بر اساس این روایت شریفه، از جمله حقوقی که فرزند بر گردن والدین خود دارد، آماده کردن زمینه آموزش هر چیزی است که او بدان احتیاج دارد و از آنجایی که تعبیر «الأشياء» عمومیت دارد، شامل همه دانش‌ها، مهارت‌ها و فنونی که عرفاً لازم است، می‌گردد. در میان مهارت‌ها و دانش‌های عملی، مهارت اقتصادی از اهمیت بالایی برخوردار است چرا که از منظر عقل و

^{۳۶} - مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۳۱، ص ۳۰۸.

^{۳۷} - کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۸، ص ۴۶.

^{۳۸} - ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۳۳۳.

عقلا، رمز حیات و سلامت جامعه در گرو وجود اقتصادی سالم، پویا و نیروهایی است که از تربیت صحیح شغلی و حرفه ای بهره برده باشند. روایت گرانسنگی نیز وجود دارد که ارشاد به همین حکم عقل و عقلاست:

«عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَبْدِ الْخَالِقِ الْجُعْفِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ مِنْ بَقَاءِ الْمُسْلِمِينَ وَبَقَاءِ الْإِسْلَامِ أَنْ تَصِيرَ الْأَمْوَالُ عِنْدَ مَنْ يَعْرِفُ فِيهَا الْحَقَّ وَ يَصْنَعُ فِيهَا الْمَعْرُوفَ فَإِنَّ مِنْ فَنَاءِ الْإِسْلَامِ وَفَنَاءِ الْمُسْلِمِينَ أَنْ تَصِيرَ الْأَمْوَالُ فِي أَيْدِي مَنْ لَا يَعْرِفُ فِيهَا الْحَقَّ وَ لَا يَصْنَعُ فِيهَا الْمَعْرُوفَ؛ امام صادق عليه السلام فرمودند: از جمله عوامل پایداری مسلمانان و پایداری اسلام، این است که اموال در دست کسی باشد که حق و حقوق آن را بشناسد و نیکی کند، و از عوامل نابودی اسلام و نابودی مسلمانان، این است که اموال در دست کسی باشد که حق و حقوق آن را نشناسد و آن را در راههای نیکوکارانه به مصرف نرساند.»^{۳۹}

باید دانست که تربیت حرفه‌ای و اقتصادی شکل دهنده هویت فردی است؛ به این بیان که کار و توانایی در امرار معاش، انسان را از سه بلای خانمان سوز افسردگی، ناهنجاری، وابستگی و نیازمندی نجات می‌دهد؛ بنابراین کودکانی که از همان زمان کودکی با کار و تلاش انس می‌گیرند، زندگی سرشار از نشاط، عزت و بی‌نیازی دارند و از اینرو مصلحت کودک در گرو تربیت حرفه‌ای و اقتصادی است؛ بنابراین نهادهای متکفل تربیت کودک، باید در این زمینه نیز اهتمام بورزند.^{۴۰}

حاصل آنکه از دیدگاه دین جاودان اسلام، قلمرو آموزش کودکان تنها محدود به آموزش‌های عبادی و شرعی نیست بلکه هر آنچه که در سعادت و کمال مادی و معنوی کودک نقش مؤثری دارد، مورد تشویق و ترغیب شارع مقدس است.

فصل سوم) نهادهای متولی در امر آموزش کودکان

در کنار والدین که نقش اصلی را در تعلیم و تربیت کودک، ایفا می‌کنند، حاکمیت اسلامی نیز در قبال این مهم، وظیفه دارد. روایاتی که تقدیم می‌گردد دلیل این مدّعی به شمار می‌آیند.

«عن أمير المؤمنين عليه السلام: علي الإمام أن يعلم أهل ولايته حدود الإسلام و الإيمان؛ حضرت علي عليه السلام فرمودند که بر امام و حاکم اسلامی است که حدود اسلام و ایمان را به کسانی که او بر آنها ولایت دارد، آموزش دهد.»^{۴۱}

ممکن است این پرسش مطرح شود که مراد از اهل ولایت در روایت فوق چه کسانی هستند؟ در پاسخ می‌گوییم که مراد از اهل ولایت، هر آن کسی است که زیر پرچم حکومت صاحب ولایت (امام معصوم عليه السلام) قرار دارد. گفتنی است که تعبیر امام در روایت ذکر شده، موضوعیتی ندارد، بلکه بر هر حاکم مسلمانی لازم است که نسبت به زیر دستان خود، از آموزش‌های دینی و غیر دینی ضروری، دریغ نکند.

«دو) قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي بَعْضِ خُطْبِهِ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا وَ لَكُمْ عَلَيَّ حَقٌّ فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَيَّ فَالْنَّصِيحَةُ لَكُمْ وَ تَوْفِيرُ فَيْئِكُمْ عَلَيَّكُمْ وَ تَعْلِيمُكُمْ كَيْ لَا تَجْهَلُوا وَ تَأْدِيبُكُمْ كَيْ مَا تَعْلَمُوا؛ از حضرت علي عليه السلام نقل شده است که فرمودند: ای مردم، مرا بر شما حقی است و شما را بر من حقی است. حقی که شما به گردن من دارید، اندرز دادن و نیکوخواهی شماست و غنایم را بتمامی، میان شما تقسیم کردن و تعلیم دادن شماست تا جاهل نمانید و تادیب شماست تا بیاموزید...»^{۴۲}

^{۳۹} - کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۴، ص ۲۵.

^{۴۰} - برای اطلاعات بیشتر ر.ک: حاجی ده آبادی، محمدعلی، حقوق تربیتی کودک در اسلام.

^{۴۱} - لیثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، ص ۳۲۸.

^{۴۲} - «المراد بأهل ولايته جميع من يكون تحت لواء حكومته...» منتظری، حسینعلی، دراسات فی ولاية الفقیه و فقه الدولة الإسلامية، ج ۲، ص ۱۶.

^{۴۳} - مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۲۵۱.

بنابر این روایت شریفه، حضرت امیر علیه السلام یکی از حقوقی که مردم بر گردن حاکمیت و زمامدار دارند راه، تعلیم و تربیت شهروندان (اعم از کودک و غیر آن) بر می شمارد.

«سَه» قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَلَا كَلُّكُمْ رَاعٍ وَ كَلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ فَأَلَا مِيرٌ عَلَى النَّاسِ رَاعٍ وَ هُوَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ...؛ حضرت علی علیه السلام فرمودند: همه شما سرپرست هستید و نسبت به زیر دستان خود مسئولیت دارید^{۴۵} بنابر این روایت، از آنجایی که حاکم، سرپرست و در قبال شهروندان، مسئول است، باید به اموری که سبب ترقی و رشد شهروندان می شود اهتمام بورزد، از اینرو در جوامع کنونی که گاه کودکان بی سرپرست یا بد سرپرست یافت می شود، حاکمیت اسلامی موظف است از این کودکان حمایت کند و مشکلات آن ها را با تدابیر و سیاست های صحیح خویش، بر طرف سازد. مانند سایر موارد در فقه، به عنوان مثال بحث ولایت، که با نبود والدین و حاکم شرع، نوبت به عدول از مومنین می رسد. در بحث آموزش کودک و سایر اقشار جامعه اسلامی نیز، عدول از مومنین وظیفه دارند که در صورت نبود حاکم، متصدی آموزش کودکان، مسلمان خواهند بود.^{۴۵}

در موضوع مورد بحث، برخی از بزرگان معاصر، نهاد دیگری را نیز ذکر کرده اند که عبارت است از: نهاد ولایت عاقلان عادل خبیر. ایشان با استفاده از عموم یا اطلاق برخی از روایات، قائل به مشروعیت ولایت عاقلان عادل خبیر (ولو غیر مسلمان) شده اند؛^{۴۶} طبق پذیرش ولایت برای نهاد مذکور، می توان این نهاد را نیز متولی و مسئول آموزش کودکان دانست. البته امروزه شاهد هستیم که در جوامع و نظام های غیر اسلامی هم با وضع قوانین، اعلامیه های حقوق کودک یا تشکیل کنوانسیون های مرتبط با آن، حاکمان و قدرتمندان، جوامع را به آموزش نسبت به کودکان، الزام می نمایند. به عنوان نمونه در اعلامیه اسلامی حقوق بشر، (مشهور به بیانیه قاهره)، مصوب سال ۱۹۹۰ میلادی، بند الف ماده نهم چنین مقرر شده است:

طلب علم فریضه، و آموزش، امری واجب برای جامعه و دولت است. دولت لازم است راه ها و وسائل آن را فراهم نموده و متنوع بودن آن راه، به گونه ای که مصلحت جامعه را برآورد، تامین نماید و به انسان فرصت دهد که در مورد دین اسلام و حقایق هستی، معرفت حاصل کند و آن را برای خیر بشر به کار گیرد.

نتیجه سخن

از مطالب پیشین روشن می گردد که امر آموزش از دیدگاه دین جاودان اسلام و همچنین اهل خرد از امور ضروری و پسندیده بوده و آموزش کودک به عنوان یک حق شرعی در آیات و روایات ما قلمداد شده است. آموزش کودک در تمامی زمینه هایی که به مصلحت وی باشد مورد توجه بوده به گونه ای که بنابر دستورات دینی، آموزش تمامی اموری که حتی در آینده مورد نیاز کودکان باشد بر والدین لازم شمرده شده است. در کنار والدین که متصدیان اصلی آموزش کودک می باشند، حاکمیت اسلامی نیز در این باره وظایفی دارد و در صورت عدم آن، عدول مومنین نباید اجازه دهند که کودکان مسلمان از آموزش های لازم محروم شوند حتی بنابر پذیرش و مشروعیت ولایت عاقلان عادل خبیر، این تکلیف متوجه چنین حاکمانی خواهد بود. شایسته است محققین گرامی حقوق دیگر کودک همانند حق بازی، حق سلامت معنوی، حق بهداشت و تغذیه و... را از دیدگاه فقه و حقوق اسلامی بررسی نمایند.

^{۴۴} - ورام بن ابي فراس، مسعود بن عیسی، مجموعه ورام، ج ۱، ص ۶.

^{۴۵} - در فقه مطرح شده که شارع مقدس راضی نیست برخی از مصالح مسلمین - در صورت فقدان حاکم صالح - فوت شود لذا با فقدان حاکم،

نهاد عدول مومنین را برای رسیدگی به کار ایتم، غایبان و... قرار داده است.

^{۴۶} - علیدوست، ابوالقاسم، درس خارج فقه، جلسه ۱۲/۸/۱۳۹۸.

منابع

*قرآن مجید

۱. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغه، مصحح: محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، چاپ اول، مکتبه آیت الله المرعشی النجفی ۱۴۰۴ ه. ق.
۲. ابن منظور، ابوالفضل، جمال الدین، محمد بن مکرم، لسان العرب، محقق، احمد فارس، چاپ سوم، دار الفكر الطباعة و النشر والتوزیع، لبنان، بیروت، بی تا.
۳. احمد بن فارس بن زکریا، ابو الحسین، معجم مقاییس اللغة، چاپ اول، محقق، عبد السلام محمد هارون دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ایران، قم، بی تا.
۴. اصفهانی، حسین بن محمد راغب، مفردات الفاظ القرآن، محقق: صفان عدنان داودی چاپ اول، دار العلم دارالشمیه، لبنان، سوریه، ۱۴۱۲ ه. ق.
۵. اصفهانی، مجلسی دوم، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعه لدرر الاخبار الائمه الاطهار، چاپ اول، مؤسسه الطبع و النشر، بیروت - لبنان، ۱۴۱۰ ه. ق.
۶. بحرانی، یوسف، الحدائق الناظره، جلد سیزدهم، قم، موسسه النشر الاسلامی، ۱۳۹۳.
۷. بهشتی، احمد، کتاب اسلام و حقوق کودک، ویرایش سوم سال، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه قم ۱۳۷۷.
۸. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، محقق: سید مهدی رجایی، دار الكتاب الاسلامی.
۹. تهرانی، سید محمد حسین حسینی، ولایة الفقیه فی حکومتة الإسلام، چاپ اول، دار الحجة البيضاء، بیروت - لبنان، ۱۴۱۸ ه. ق.
۱۰. الجوهری الفارابی، لأبی نصر إسماعیل بن حمّاد، الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربیة) تحقیق : شهاب الدین أبو عمرو چاپ اول، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۸ ه. ق.
۱۱. حاجی ده آبادی، محمد علی، حقوق تربیتی کودک در اسلام، چاپ اول، ناشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، بهار ۱۳۹۱.
۱۲. الراغب الاصفهانی، لأبی القاسم الحسین بن محمد، المفردات (الفاظ القرآن الکریم) تحقیق : صفوان عدنان داودی، چاپ دوم، انتشارات ذوی القربی، ۱۴۲۴ ه. ق.
۱۳. شعیری، محمد بن محمد، جامع الأخبار (للسعیری) - چاپ اول، نجف اشرف، بی تا.
۱۴. شیرازی، سید محمد حسینی، الفقه، المرور و آداب السفر، چاپ اول، مؤسسه المجتبی، بیروت - لبنان، ۱۴۲۱ ه. ق.
۱۵. شیرازی، قدرت الله انصاری و پژوهشگران مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم، موسوعه أحكام الأطفال و أدلتها، چاپ اول، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، قم - ایران ۱۴۲۹ ه. ق.
۱۶. طباطبایی بروجردی، حسین، جامع الأحادیث الشیعة، چاپ اول، انتشارات فرهنگ سبز، تهران - ایران، ۱۴۲۹ ه. ق.
۱۷. طریحی، للشیخ فخر الدین، مجمع البحرین و مطلع النیرین، تحقیق : قسم الدراسات الاسلامیة، چاپ اول، مؤسسه البعثة قم، ۱۴۱۴-۱۴۱۶ ه. ق.
۱۸. عاملی، حرّ، محمد بن الحسن، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، ۳ جلد، چاپ اول، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم - ایران، ۱۴۰۹ ه. ق.
۱۹. علیدوست، ابوالقاسم، درس خارج فقه، سال ۱۳۹۷-۱۳۹۸.
۲۰. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، ۸ جلد، چاپ دوم، نشر هجرت، قم - ایران، ۱۴۱۰ ه. ق.

۲۱. فیومی، احمد بن محمد مقری للرافعی، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، چاپ اول، منشورات دار الرضی، ایران، قم، بی نا.
۲۲. کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامیة)، ۸ جلد، چاپ چهارم، دار الکتب الإسلامیة، تهران - ایران، ۱۴۰۷ ه. ق.
۲۳. لیثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، چاپ اول، مرکز چاپ و نشر بنیاد بعثت، تهران- ایران، ۱۳۹۱ ه. ش.
۲۴. مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، زیر نظر مرحوم آیت اله شاهرودی، چاپ سوم، نینوا، ۱۳۹۰ ه. ش.
۲۵. موسوی بجنوردی، محمد، بررسی مفهوم و معیار کودکی در تفکر اسلامی و قوانین ایران برای بهره مندی از حقوق مربوطه، پژوهشنامه متین، شماره بیست و یکم، ۱۳۸۲.
۲۶. محقق حلی، جعفر بن حسن، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، جلد دوم، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸.
۲۷. نجف آبادی، حسین علی منتظری، دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدوله الإسلامیة، ۴ جلد، چاپ دوم، نشر تفکر، قم - ایران، دوم، ۱۴۰۹ ه. ق.
۲۸. نوری، محدث، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ۱۸ جلد، چاپ اول، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، بیروت - لبنان، ۱۴۰۸ ه. ق.
۲۹. الواسطی الزبیدی الحنفی، محب الدین ابی فیض السید محمد مرتضی الحسینی، تاج العروس من جواهر القاموس ، تحقیق: علی شیری ، دار الفكر للطباعة والنشر و التوزیع ۱۴۱۴ ه. ق.
۳۰. ورام بن ابی فارس ، مسعود بن عیسی ، مجموعه ورام، مکتبه فقهیه، ۱۴۱۰ ه. ق.
۳۱. وزیر، مجید، حقوق متقابل کودک و ولی در اسلام و موارد تطبیقی آن، چاپ اول، شرکت چاپ و نشر بین الملل وابسته به انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۴.